
مقالات



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علومو انسانی

برداشته‌های گوناگون از دانشگاه اسلامی

علی دژاکام*

چکیده:

دانشگاه یا نظام آموزشی عالی هر کشور از عمده‌ترین نهادها و پیچیده‌ترین آنهاست و بدین جهت، دغدغه‌ی اساسی بودن و اسلامی شدن دانشگاه در نظام جمهوری اسلامی ایران برای مسئولین نظام، اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آنچه در این مقاله پیش روی شماست تصویری است به اجمال درباره‌ی تلقی‌ها و برداشتهای متنوع از دانشگاه اسلامی.

واژگان کلیدی

دانشگاه، اسلامی شدن دانشگاه، محیط فیزیکی دانشگاه، روابط میان دانشجویان، ساختار باطنی دانشگاه، فضای علمی.

پیش سخن

سازمان‌ها و نهادهای اصیل در هر جامعه، بویژه نهادهای فرهنگی، جزئی از آن جامعه است و باید متناسب با اعتقادات، ارزش‌ها، سنن و ساختار طبیعی و انسانی آن جامعه باشد. هر جامعه‌ای بر اساس باورها و ارزش‌هایش و برای مقاصد و آرمان‌هایش، نهادهایی را تأسیس می‌کند و انتظارات ویژه‌ای از آنها دارد.

در حالت طبیعی، میزان ظهور اعتقادات و ارزش‌های یک ملت در سازمان‌هایش، مبین میزان قوت و رسوخ آن باورها در اذهان و قلوب آن ملت است. یکی از پیچیده‌ترین تشکیلات، دانشگاه یا نظام آموزش عالی است. از این رهگذر دغدغه‌ی اسلامی شدن دانشگاه برای حکومت اسلامی و مسئولین آن، که به دنبال پیاده کردن دین هستند طبیعی و بسیار میمون و مبارک می‌نماید، ولی اینکه اساساً چنین چیزی شدنی است یا خیر، اگر شدنی است چه سازوکاری را می‌طلبد، طبق کدام فهم از اسلام (حداقلی، حداکثری) باید دانشگاه را اسلامی کرد، مفهوم دانشگاه اسلامی چیست و... از سئوالاتی است که اندیشیدن جدی اندیشه‌وران حوزه و دانشگاه را می‌طلبد.

اگر چه در این چند سال اخیر مباحث فراوانی صورت گرفته، هنوز به مرحله‌ی نظریه‌پردازی نرسیده و راه نرفته بسیار است.

آنچه در پی می‌آید توصیفی اجمالی از مباحث پیشین و تلقی‌های گوناگون درباره‌ی دانشگاه اسلامی است.

۱. صورتگرایی

برخی از صاحب نظران و کسانی که به دنبال اسلامی کردن یا اسلامی شدن دانشگاه هستند، بر رعایت ظواهر و شعائر در رفتار فردی و جمعی دانشگاهیان، فضای ظاهری دانشگاه و وضع ظاهر و پوشاک دانشجویان و اساتید و نوع روابط

دانشجویان پسر و دختر و غیره تأکید دارند. به تعبیر دیگر بیشتر به دنبال این هستند که دانشگاه را در حوزه‌ی رفتار دینی اسلامی کنند.

تشکیل کمیته‌های انضباطی، گروه‌های امر به معروف و نهی از منکر، گزینش دانشجو با معیارهای شریعت محور، طرح انطباق در دانشکده‌های علوم پزشکی و... از اقداماتی است که حداقل توسط طراحان و طرفداران این دیدگاه برای اسلامی کردن دانشگاه ضرورت گرفته است. تحقیقات انجام شده درباره‌ی دینداری دانشجویان توسط برخی از افراد و نهادهای دانشگاهی و مرتبط با دانشگاه و نتایج اعلام شده بیشتر ناظر به همین دیدگاه است؛ یعنی گزینه‌ها و شاخص‌هایی که برای سنجش دینداری و عدم دینداری دانشجویان انتخاب شده حاکی از این دیدگاه است.

۲. معناگرایی

برخی از صاحب نظران نگاهی عمیق‌تر، دقیق‌تر و علمی‌تر به بحث دارند. دانشگاه اسلامی را نه در سطح و ظواهر و ساختار بیرونی، که در معنا، باطن و لایه‌های زیرین جستجو می‌کنند. البته نه اینکه ظواهر و ساختار بیرونی برای آنها اهمیت ندارد، بلکه ظواهر، شعائر و ساختار بیرونی را میوه‌های دانشگاه اسلامی می‌دانند و ریشه و مبنا را ارزش‌های درونی الهی، انسانی، اسلامی سازی علوم اجتماعی - انسانی و حتی طبیعی می‌دانند و بر این باورند، اگر ریشه‌ها اصلاح نشود ساختار بیرونی اصلاح نمی‌شود. معناگرایی را می‌توان به «معناگرایی علمی» و «معناگرایی ارزشی» تقسیم کرد.

۱ - ۲. معناگرایی علمی

جمعی از متفکران بر این اعتقادند که اسلامی شدن دانشگاه با اسلامی سازی

علوم، رابطه‌ی زیربنا و روبنا دارد؛ یعنی مبنای اسلامی کردن دانشگاه، اسلامی سازی علوم است. به همین جهت هم سعی بسیاری در جهت نظریه‌پردازی در باب چگونگی اسلامی سازی علوم صورت گرفته و هم عده‌ای بر اساس همین نظریات کوشش کرده‌اند نمونه‌های علوم اجتماعی اسلامی را تبیین و ترسیم کنند. جامعه‌شناسی اسلامی، روان‌شناسی اسلامی، اقتصاد اسلامی، مدیریت اسلامی و... در راستای تحقق بخشیدن به اسلامی سازی علوم است که در دنیای اسلام و ایران شکل گرفته است.

اسلامی سازی علوم مبتنی بر رابطه‌ی عقل و وحی و علم و دین است. زمانی می‌توان از اسلامی سازی علوم سخن گفت که بتوان بین عقل و وحی و علم و دین سازگاری ایجاد کرد. به اعتقاد برخی برای ترسیم دانشگاه اسلامی، اولین و مهمترین مسأله، یافتن روش‌ها و متدولوژی‌های تنظیم کننده‌ی نسبت میان علم و دین در رشته‌های گوناگون است. سخن از سازگاری یا عدم سازگاری وحی و عقل در اسلام و مسیحیت پیشینه‌ای بس بلند دارد و در جای خود، هم به جهت تاریخی و هم به جهت نظری، بحث شده است. و درباره‌ی کیفیت ارتباط دین و علوم انسانی معاصر نیز نظریات گوناگونی از جمله انفعالی، جایگزینی، گزینشی، پرورشی، تلفیقی، تفکیکی، استقلالی یا تاسیسی مطلق، تاسیس روش و تحلیلی جمعی ارائه شده است که بحث مستقل و مستوفایی را می‌طلبد و مورد نظر ما در این قسمت نیست. آنچه در اینجا مدنظر است این است که بنابر دیدگاه معناگرایی علمی، اسلامی کردن دانشگاه باید مبتنی بر اسلامی کردن علوم باشد. برخی از متفکرین این دیدگاه، علاوه بر علوم اجتماعی و انسانی بدنبال اسلامی کردن علوم طبیعی، فنی و مهندسی نیز هستند. تلاش در جهت اسلامی کردن علوم چیز تازه‌ای نیست، بلکه از عمر آن چند دهه در دنیا و کشورهای اسلامی می‌گذرد. بحث از علوم اسلامی و روش‌شناسی علوم در عصر حاضر در ایران در

حدود دهه‌ی پنجاه میلادی صورت گرفته است.

برای مزید اطلاع، فهرستی از تحولات و کتب منتشر شده در باب اسلامی کردن علوم در پی می‌آید که هر کدام می‌تواند نقطه‌ی شروع اسلامی سازی علوم باشد، که بنابر دیدگاه معاصران، مبنای دانشگاه اسلامی است.

۱. تأسیس جمعیت جامعه شناسان مسلمان توسط اتحادیه‌ی دانشجویان مسلمان آمریکا و کانادا به پیشنهاد عبدالحمید ابو سلیمان در سال ۱۳۹۲ هـ/ ۱۹۷۲ م.

۲. برگزاری اولین کنفرانس جهانی اقتصاد اسلامی بنا به سفارش دومین اجلاس جهانی کنفرانس جهانی جوانان مسلمان در دانشگاه ملک عبدالعزیز به سال ۱۳۸۴ هـ/ ۱۹۷۴ م.

۳. انعقاد اولین کنگره‌ی جهانی تربیت اسلامی در مکه‌ی مکرمه (بنا به دعوت دانشگاه ملک عبدالعزیز) به سال ۱۳۹۷ هـ/ ۱۹۷۷ م.

۴. برگزاری کنفرانس جهانی اندیشه‌ی اسلامی در سوزان سوئیس به سال ۱۳۹۷ هـ/ ۱۹۷۷ م.

۵. ایجاد مؤسسه‌ی جهانی اندیشه‌ی اسلامی در آمریکا که در سال ۱۴۰۱ هـ/ ۱۹۸۱ م. به صورت رسمی تأسیس شد و اکنون نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد و کتابهایی نیز از این مؤسسه در ایران ترجمه شده است.

۶. سلسله‌ی نشستهای جهانی کنفرانس اسلامی کردن معرفت، که دومین نشست آن با نام سمینار اسلامی کردن معرفت در اسلام آباد (پاکستان) به سال ۱۴۰۲ هـ/ ۱۹۸۲ م. تشکیل گردید و بحثهای آن در کتابچه‌ی مهمی به زبان انگلیسی با عنوان «اسلامی کردن معرفت» توسط دکتر اسماعیل فاروق به رشته‌ی تحریر در آمد و انتشار یافت.

۷. انتشار کتاب «اسلامی کردن معرفت، مبادی کلی، راهکارها و اقدامات» که

توسط اسماعیل فاروق تحریر و به زبان انگلیسی چاپ شده و دکتر عبدالحمید ابو سلیمان نسخه‌ی عربی تصحیح شده‌ی آن را در سال ۱۴۰۶ هـ / ۱۹۸۶ م. تحریر کرد.

۸. مجله‌ی «العلم المعاصر» مقالات و مباحث مفید مربوط به «بازسازی اسلامی علوم» و به طور خاص علوم اجتماعی را به زبان عربی منتشر ساخت.

۹. مجله‌ی آمریکایی، «علوم اجتماعی اسلامی» که توسط مؤسسه‌ی جهانی اندیشه‌ی اسلامی و جمعیت جامعه شناسان مسلمان آمریکا منتشر می‌شود، نیز مقالات و مباحث مفیدی در مورد اسلامی کردن علوم اجتماعی را به زبان انگلیسی چاپ و منتشر کرد.

۱۰. مؤسسه‌ی جهانی اندیشه‌ی اسلامی مجله‌ای مختص مسائل مربوط به اسلامی کردن معرفت را منتشر کرد.

۱۱. سر سید احمدخان در علیگره، دانشسرای اسلامی را تأسیس کرد که در ۱۹۲۰ به دانشگاه تبدیل شد.

کتاب منتشر شده در زمینه‌ی اسلامی کردن علوم^۱

سال انتشار محل انتشار نویسنده یا نویسندگان عنوان کتاب

Aims Objectives of and Islamic Education	جمعی از متفکران جهان اسلام	عربستان - انگلستان	۱۹۷۹
Knowledge for what? Proceeding and Papers of the Seminar on Islamization Islamization of the	جمعی از متفکران جهان اسلام	پاکستان	۱۹۸۲
Islamization of Knowledge General Principles and Workplan	I.R.al-Faruqi	امریکا	۱۹۸۲

۱. گلشنی، مهدی. از علم سکولار تا علم دینی.

The Concept of ou Islamic University	H.H.Bilgrami & S.A.Ashraf	انگلیس	۱۹۸۵
Toward Islamic Anthropology: Definitions, Dogma, and Directions	A.S.Ahmed	امریکا	۱۹۸۶
Toward Islamization of Disciplines	جمعی از متفکران جهان اسلام	امریکا	۱۹۸۹
Islamization of Attitudes and Practices in Science and Technology	جمعی از متفکران جهان اسلام	امریکا	۱۹۸۹
The Need for a Sacred Science	S.H.Nasr	انگلیس	۱۹۹۳
The Islamization of Science	L.Stenberg	سوئد	۱۹۹۶

سیر تطور و تحول اصطلاحات بکار گرفته شده در زمینه‌ی اسلامی کردن علوم و تعاریف ارائه شده از سوی صاحب نظران و بررسی تعارض، تضاد، تجانس، همپوشی و... بین این اصطلاحات مقاله‌ی مفصل و مستقلی را طلب می‌کند.

۱-۱-۲. مفاهیم و اصطلاحات

مباحث و نوشته‌های مربوط به بازسازی اسلامی علوم اجتماعی و اصطلاحات مربوط به آن، چند مرحله‌ی نسبتاً متمایز را پشت سر گذاشته، هرچند تا حدودی این مراحل با هم تداخل دارند.

۱-۱-۲. در اولین نوشته‌ها در باب نیاز به اصلاح متدولوژی علوم اجتماعی و ضرورت بازسازی آنها از دیدگاه اسلامی، کلی‌گویی صورت گرفته و بیشتر بر اهداف تأکید شده تا تبیین و توصیف روش و راهکار.

با پذیرش عمومی این اندیشه از جانب بسیاری از افراد، تلاشهای فردی گوناگونی در رابطه با همین مضمون (یا مفهوم) صورت گرفت.

در کنار اصطلاح اسلامی کردن معرفت، که از همه‌ی تعابیر دیگر قدیمی‌تر است، اصطلاحات دیگری مانند: بازسازی اسلامی علوم اجتماعی، بازسازی علوم اجتماعی از دیدگاه اسلام، تبیین اسلامی علوم اجتماعی، بنیاد نهادن علوم اجتماعی به روش اسلامی، تأسیس علوم اجتماعی بر پایه‌ی اصول اسلامی، اسلامی سازی علوم، بازبینی علم از منظر اسلامی و... پدید آمد.

ویژگی بارز این مرحله، کلی و مبهم بودن مفاهیم و تعریف آنها و نیز تعداد اصطلاحات مربوطه است.

۱-۱-۲. در این مرحله عمدتاً دو اصطلاح اسلامی کردن یا اسلامی شدن معرفت و بازسازی اسلامی یا جهت دهی اسلامی به علوم اجتماعی مد نظر بود و هر اصطلاح از گرایش خاصی حکایت می‌کرد.

طرفداران اصطلاح «اسلامی کرن معرفت»، کاربرد اصطلاح اسلامی کردن علوم اجتماعی و مترادفات آن را ترجیح دادند، تا به این ترتیب به امر مهمی اشاره کنند که اجمالاً همه بر آن اتفاق نظر داشتند و آن عبارت بود از: صبغهی اسلامی شایسته‌ای به علوم اجتماعی دادن، و غالباً طرفداران این گرایش را متخصصین علوم اجتماعی تشکیل می‌دادند که معتقد بودند جوهره‌ی این کار مهم اصلاحی، تنها در تصحیح روند این علوم صورت می‌گیرد و این مهم نیز تنها از طریق نقد جدی و عمیق آنها در پرتو بینش اسلامی و نیز کنار نهادن هر آنچه توان مقاومت در مقابل نقد را ندارد و جایگزین کردن آنها با مطالب مورد تأیید کتاب و سنت و تکمیل نمودن مطالب درست، میسر است. این تلاش، گامی است آغازین و ناگزیر برای ایجاد تحول مستقل و اصیل در مسائل مربوط به معرفت بشری از دیدگاه اسلامی؛ یعنی دیدگاهی که ریشه در کتاب و سنت و فرهنگ اسلامی دارد و

از آن دسته از دستاوردهای جدید علوم غربی نیز که طبق معیارهای اسلامی مورد تأیید است، بهره می‌گیرد.

اگر چه در پذیرش اصطلاح «اسلامی کردن علوم» اتفاق نظر بود، در تعریف آن اختلاف نظر پیش آمده و تعاریف ارائه شده در مورد اسلامی کردن معرفت از تشتت رنج می‌برد که به برخی از آنها اشاره می‌رود:

۱. ابوالقاسم حاج حمد می‌گوید: «اسلامی کردن شناخت، بدین معناست که دستاوردهای علمی و تمسک بشر را از نگرشهای فلسفی با انواع مختلفش جدا سازیم و در پی به کار گرفتن مجدد این علوم در قالب نظامی روشمند، دینی و غیر مادی برآییم و این همان معنای مورد نظر در اسلامی کردن علوم کاربردی و قواعد علمی است.

حاج حمد به این نکته نیز توجه می‌دهد که «اسلامی کردن شناخت به معنای صرف، افزودن عبارات دینی به مباحث علوم انسانی یا مدد گرفتن از آیات قرآنی همخوان با موضوعات علم مورد نظر نیست، بلکه مقصود از آن بازسازی روشمند و معرفتی علوم و قوانین آن است. همچنین به معنای صرف تعمیم انتساب ذاتی به دین به همه‌ی موضوعات با هدف دادن مشروعیت دینی به دستاوردهای بشری و پوشاندن جامه‌ی دینی بر اندام آن، بر مبنای منطق تعمیم دینی و لفظی نیست.»^۱

۲. دکتر عماد الدین خاوری می‌گوید: «اسلامی شدن شناخت در اینجا صرفاً به معنای فراخوانی به تحقق وفاق و همخوانی میان داده‌های علوم انسانی و مطلوبهای دینی در عرصه‌ی واقع نیست، بلکه پیش از این و پس از آن به معنای در اختیار قرار دادن همه‌ی فعالیت‌های شناختی در هر دو سطح نظری و میدانی است تا در قلمرو و باورهای ایمانی گنجانده شوند و طبق مطلوبها و نگرشهای

۱. اسلامية المعرفة بين الامس و الغد، ص ۱۱-۱۲.

فراگیر آن با تأسی به دیگر علوم شکل پذیرد.»^۱

۳. دکتر عرفان عبدالحمید فتاح، اسلامی کردن شناخت را اینگونه تبیین کرده است: «عنوانی است برای روش فکری در تبادل فرهنگی تمدن‌ها که از دو بعد یا دو معنای متضایف برخوردار است: اول تلاش اندیشه‌ی اسلامی معاصر و کوشش پیگیر آن برای هضم کردن همه‌ی دستاوردهای اندیشه‌ی غربی در دو بعد تمدن مادی و معنوی، دوم توجه دادن به آزاد سازی دستاوردهای شکل گرفته در قالب مفاهیم فلسفی غیر دینی، مادی و الحادی که از راه تفسیر مجدد آنها و ربط دادن آنها به چارچوب ارزشی اسلام که به هدایت الهی و نقطه‌ی اوج آن اسلام پیوند خورده است، صورت می‌گیرد.»^۲

۴. دکتر طه علوانی ترجیح می‌دهد اسلامی کردن شناخت را در چارچوبی بسته و تعریفی جامع و مانع، محدود نکند، آنچنانکه برخی کرده‌اند «زیرا این نظریه همواره ساخت نظریه‌ی معرفت توحیدی است که به آفریننده‌ی یکتا داشتن هستی اعتقاد دارد. خدایی که انسان را جانشین خود قرار داد و به او آنچه را که نمی‌دانست آموخت و وحی را منبع اساسی شناخت و جهان را به موازات آن منبعی دیگر قرار داد. با فهم این منابع در چارچوب توحید ناب، معرفتی پیراسته، حکیمانه و هدفدار شکل می‌گیرد؛ یعنی شناخت توحید، جانشینی خدا، امانت، عمران و دستاوردهای تمدنی.»^۳

در بین برخی از متفکران دانشگاهی ایران این تعریف مورد پذیرش واقع شده است.

طرفداران اصطلاح «بازسازی اسلامی علوم اجتماعی»، تقریباً از کارشناسان علوم دینی و شرعی هستند که معتقدند نقطه‌ی آغازین و عملی این اصلاح، باید

۱. د. عمادالدین خلیل، مجله‌ی المسلم المعاصر، شماره‌ی ۵۳ (۱۹۸۸ م)، ص ۵-۷.
 ۲. عرفان عبدالحمید، فتاح، مجله‌ی اسلامیة المعرفة، شماره‌ی ۵ (۱۹۹۶ م)، ص ۹.
 ۳. د. طه جابر العلوانی، اسلامیة المعرفة بین الامس و الیوم، ص ۱۲.

بر پایه‌ی قرآن و سنت و دیگر منابع اسلامی مربوط به آنها صورت گیرد؛ بی‌آنکه اهمیتی به دستاوردهای علوم اجتماعی جدید صورت گیرد؛ چراکه جهت‌گیری‌های اساسی و زیربنای این علوم، مبتنی است بر کنار نهادن وحی به عنوان منبعی برای معرفت و نیز دشمنی با دین که به صورت شایع در آنها دیده می‌شود. به همین دلیل، آنان هیچ‌خیری در این علوم نمی‌بینند، و این نکته، از تعریفی که آنها از بازسازی اسلامی علوم اجتماعی ارائه داده‌اند، به خوبی آشکار است. تعریف مزبور چنین است: «تبیین مبانی اسلامی‌ای که این علوم بر آنها استوارند، از طریق گردآوری یا استنباط آنها از منابع شرعی و قواعد کلی آن و بررسی موضوعات این علوم در پرتو مبانی مزبور با بهره‌گیری از دستاوردهای دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان، در صورتی که با آن مبانی متعارض نباشد»^۱. طرفداران این گرایش معتقدند که به کار بردن اصطلاح «اسلامی کردن»، در جوامع اسلامی که بر اساس شرع شکل گرفته، بی‌معناست؛ حتی اگر علوم اجتماعی رایج در این جوامع، از جوامع غیر دینی - که دین را از جهت دهی امور زندگی کنار نهاده‌اند - آمده باشد.

تحقیقات ارائه شده در ایران، حاکی از آن است که اصطلاح «بازسازی اسلامی علوم اجتماعی» مقبولتر از اصطلاح «اسلامی کردن» است، بخصوص از سوی حوزویان و مراکزی که بیشتر صبغه‌ی حوزوی دارند.

۱ - ۱ - ۳. به نظر می‌رسد که امروزه نزدیک است که اتفاق نظر در خصوص اصطلاح و مفهوم متحقق شود، به طوری که تکامل و تبادلی بین دو گرایش سابق را نیز به صورتی که ذکر می‌شود، در بر داشته باشد:

۱. اکثر طرفداران گرایش دوم، اصطلاح بازسازی اسلامی علوم اجتماعی را در

۱. ابراهیم عبدالرحمن رجب‌زاده‌ی جهت‌دهی اسلامی به علوم اجتماعی» بحثی که به کنگره‌ی دوم جهت‌دهی اسلامی به خدمات اجتماعی ارائه شد و دانشگاه الازهر با همکاری مؤسسه‌ی جهانی اندیشه اسلامی آن را تنظیم نمود، قاهره، ۱۹۹۳.

اصطلاح و مفهوم متحقق شود، به طوری که تکامل و تبادلی بین دو گرایش سابق را نیز به صورتی که ذکر می‌شود، در بر داشته باشد:

۱. اکثر طرفداران گرایش دوم، اصطلاح بازسازی اسلامی علوم اجتماعی را در مکتوبات عربی خود پذیرفته‌اند، در عین حال این اصطلاح را مترادف اصطلاح «Islamization of the social sciences» می‌دانند.

۲. با این حال، اصطلاح «بازسازی اسلامی علوم اجتماعی» امروزه برای دلالت بر همان مفهومی که طرفداران گرایش اول (اسلامی کردن علوم اجتماعی) مدنظر داشتند، به کار می‌رود.

باید متوجه بود که اسلامی سازی علوم به معنای اسلامی کردن دانشگاه نیست، بلکه اسلامی کردن علوم یک عنصر اساسی و جدی در اسلامی کردن دانشگاه به حساب می‌آید و حداقل به اعتقاد برخی، بدون اسلامی سازی علوم، اسلامی کردن حقیقی دانشگاه تحقق پیدا نمی‌کند.

۳. معناگرایی ارزشی

عده‌ای علاوه بر تأکید بر ظواهر و شعائر دینی، معتقدند که دانشگاهی اسلامی است که در آن ارزشهای الهی، انسانی و ملی از قبیل استقلال، فایده مندی، سعه صدر، تضارب آرا، اندیشه‌ورزی، تهذیب، سلامت نفس، تکریم انسانها، رعایت حقوق فردی و اجتماعی افراد، وفای به عهد و... حاکم باشد؛ به دیگر سخن دانشگاهی اسلامی است که ارزش‌های باطنی را محور قرار بدهد، نه مناسک‌گرا و ظاهرگرا باشد، آنهم بیشتر ناظر به ارزشهای اسلامی و شیعی باشد.

۴. دانشگاه اسلامی حداقلی

۱ - ۴. برخی را این باور است که دانشگاه اسلامی، دانشگاهی نیست که در آن

جمعی اسلامی و شیعی صورت بگیرد.

۲-۴. برخی دیگر معتقدند علاوه بر اینکه نباید عملی و اندیشه‌ای خلاف باورها، نگرش‌ها، اخلاقیات، ارزشها، مناسک و شعائر فردی و جمعی اسلامی صورت بگیرد، بلکه باید همه‌ی اینها لباس ایجاد و ایجاب بپوشند و حتی باید حداقلهای اسلامی و دینی به شکل ایجاد و ایجاب رعایت شود، در حقیقت این دیدگاه برخلاف دیدگاه حداقلی که به ایجاد و ایجاب معتقد نبود به ایجاب و ایجاد به نحو اتم معتقد است.

۵. گروهی معتقدند که در جامعه‌ی اسلامی سخن از اسلامی کردن دانشگاه جایگاهی ندارد به جهت اینکه وقتی جامعه‌ای دارای حکومت اسلامی است و مردم آن مسلمان هستند، دانشگاه خود بخود اسلامی است چون اساتید دانشجویان، کارمندان و... مسلمان هستند. به دیگر سخن زمانی که جامعه‌ای اسلامی شد، همه‌ی نهادها، سازمانها و موسسات آن اسلامی است پس اسلامی کردن دانشگاه تحصیل حاصل است.

نتیجه‌گیری

۱. اسلامی شدن علوم و دانشگاه نه حرف جدید و تازه است و نه مختص ایران.
۲. هنوز تلقی واحدی از دانشگاه اسلامی وجود ندارد و تا زمانی که این اتفاق نیفتد، حداقل به طور نسبی، مشکل می‌توان دانشگاه را اسلامی کرد.
۳. در ایران به دلیل مشکلات فراوان پیرامون مفهوم دانشگاه اسلامی، نفیاً و اثباتاً نظریه‌پردازی علمی شکل نگرفته است.
۴. برای اسلامی شدن دانشگاه باید بحث از وحدت حوزه و دانشگاه به شکل منطقی و مبنایی پیش برود.

۵. اسلامی شدن مبنایی دانشگاه بدون همپوشی، تعامل و روابط منطقی و واقع بینانه بین علم و دین معنا ندارد.

دانشگاه علامه
۶ سال هفتم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی